

<div><div> </div>امریکا</div>
علیرضا جحتی
<div>روزنامه‌نگار</div>

جیم لینزی، یکی از اعضای برجسته در زمینه سیاست خارجی ایالات متحده در شوروی روابط خارجی، در یک برنامه رادیویی **یا پادکست** به نام «The President's Inbox» یا استیون کوک، همکار ارشد **مطالعات خاورمیانه و آفریقا** در همان کشور، درباره تأثیرات انتخاب دوباره دونالد ترامپ و سیاست خارجی او در خاورمیانه بحث کرده اند.

جهان

سه‌شنبه ۱۴۰۳ تاپان ۱۴۰۳ شماره ۸۹۰

استیون کوک در پادکست شورای روابط خارجی امریکا مطرح کرد

بن سلمان و نتانیاهو باید نگران ترامپ باشند

کوک چهار کتاب درباره خاورمیانه نوشته است که جدیدترین آنها «پایان جاه‌طلبی، گذشته، حال و آینده امریکا در خاورمیانه» است که تا پستان امسال منتشر شد.

استیون کوک همچنین ستون نویس در مجله فارین پالیسی است که اخیراً مقاله‌ای خود را با عنوان «ترامپ و هریس درمورد سیاست خاورمیانه» نوشته است.

در این گفت‌وگو، کوک توضیح می‌دهد که بسیاری از کشورهای خاورمیانه از بازگشت ترامپ به کاخ سفید استقبال می‌کنند.

این استقبال عمدتاً به دلیل حمایت قوی ترامپ از امنیت و ثبات منطقه و سیاست‌های سختگیرانه‌اش علیه ایران است. او همچنین اشاره می‌کند که کشورهای مانند اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و



عکس: Reuters

من فکرمی‌کنم که در شرکای منطقه‌ای واشنگتن یک حس کلی وجود دارد که ترامپ متحد قوی‌تری بود. اینکه ایالات متحده تحت رهبری ترامپ به امنیت و ثبات منطقه متعهدتر بود، نسبت به ایران سختگیرتر بود. ترامپ با وجود همه منحصربه‌فرد بودن دولت اولش، به‌طور کلی از رویکرد نسبتاً سنتی امریکا در منطقه شامل حمایت قدرتمند از اسرائیل، حمایت قوی از شرکای عرب امریکا و اعمال فشار زیاد بر ایران پیروی می‌کرد.

علاقه اعراب به ترامپ

آنها (متحان عرب) این را دوست دارند. آنها برنامه آزادی جورج دبلیو-بوش را دوست نداشتند. آنها توافق هسته‌ای اوباما با ایرانی‌ها را دوست نداشتند. آنها سیاست چرخش به آسیای اوباما را دوست نداشتند. آنها تلاش‌های بایدن برای پیوستن مجدد به توافق هسته‌ای با ایرانی‌ها را دوست نداشتند. در قدس، مطبوعات اسرائیل گزارش‌رژ دادند که بنیامین نتانیاهو، اگر نکوییم اولین سیاستمدار جهان، یکی از اولین سیاستمدارانی بود که با رئیس‌جمهور منتخب (ترامپ) تماس گرفت و پیروزی او را تبریک گفت. این برای نتانیاهو بسیار مهم بود، زیرا زمانی که جو بایدن در انتخابات سال ۲۰۲۰ پیروز شد، او با رئیس‌جمهور منتخب منتخب تماس گرفت تا به او تبریک بگوید، اما به طرز اشتباهی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا را نادیده گرفت.

ترامپ فکر کرد که این کار بی‌وفایی است چرا که او در آن انتخابات شرکت کرده بود و هنوز نتیجه انتخابات را زیر سؤال می‌برد. اکنون نتانیاهو به چهار سال یا حداقل دو سال نگاه می‌کند، (بیزار دو سال دیگر از دولتش باقی مانده است) که طی آن باید با دونالد ترامپ کار کند. در عربستان سعودی و امارات نیز خیلی سریع به رئیس‌جمهور تبریک گفتند. ملک عبدالله اردن نیز همین کار را کرد. عراقی‌ها این کار را از طریق رسانه‌های اجتماعی بدون تماس تلفنی انجام دادند. نخست‌وزیر عراق کسی نیست که شخصاً به ترامپ که پس از ریاست‌جمهوری او به قدرت رسیده نزدیک باشد. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه بیانیه بسیار مثبتی صادر کرد.

سیگنال مثبت اردوغان

ترامپ و اردوغان رابطه شخصی بسیار قوی داشتند، آنها احترام زیادی برای یکدیگر قائل هستند و شخصاً از همراهمی یکدیگر لذت می‌برند و این رابطه را رئیس‌جمهور بایدن و رئیس‌جمهور اردوغان نداشتند. ترامپ حداقل در دوره اول ریاست‌جمهوری خود، بسیار بیشتر تمایل داشت تا درباره حضور نیروهای امریکایی در سوریه و همکاران این نیروها با گروهی به نام یگان‌های مدافع خلق که ترکیه آنها را بخشی از یک گروه تروریستی بزرگ‌تر به نام حزب کارگران کردستان می‌داند، نظرات اردوغان را بشنود. به‌طور کلی، به استثنای ایرانی‌ها، دیدگاه‌های مثبت زیادی نسبت به دولت ترامپ وجود دارد. حتی در داخل تشکیلات خودگردان فلسطینی، محمود عباس به ترامپ تبریک گفت. این اعتقاد وجود دارد که ترامپ فشار لازم را بر اسرائیلی‌ها وارد خواهد کرد تا در نهایت به جنگ در نوار غزه پایان دهند. رئیس‌جمهور منتخب قبلاً به نخست‌وزیر اسرائیل گفته است: «از شما می‌خواهم این موضوع را قبل از روز تحلیف به پایان برسانید.» درباره ایران ما از اینکه تفکر آنها چیست، چندان

نمی‌دانیم. ایرانی‌ها آشکارا درمورد انتخابات امریکا سکوت کرده‌اند. ما می‌دانیم که رهبر جدید حزب‌الله، نعیم قاسم، گفت: «انتخابات امریکا هیچ ارتباطی با ما ندارد.» برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر اینکه ایرانی‌ها دولت هریس را به دولت ترامپ ترجیح می‌دهند، با این باور که دموکرات‌ها به نتایج و نتایج و تنش‌زدایی با ایرانی‌ها علاقه بیشتری دارند، وجود داشت.

ایران: ترامپ اهل معامله است

کارنامه ترامپ در دوره اول نشان می‌دهد او آشکارا درگیر سیاستی بود که فشار حداکثری نامیده می‌شود، اما او از رویارویی مستقیم نظامی با ایرانیان خودداری کرد. این رفتار حداکثری واقعاً برای آوردن ایرانیان به میز مذاکره طراحی شده بود، نه برای ایجاد تغییر رژیم در ایران. ممکن است همه تعجب کنند که ببینند رئیس‌جمهور به معامله با ایران علاقه‌مند است. به هر حال، او خود را به عنوان یک معامله‌گر اصلی نشان داده است و از دیدگاه او، اگر بتواند با ایرانی‌ها معامله‌ای بهتر از توافقی که اوباما انجام داد، متعقد کند، بسیار بهتر است.

مصر: نگاه به درون

مصر در طول یک دهه گذشته واقعاً به سمت بازسازی درونی رفته است. ترامپ زمانی به طعنه گفت که عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، دیکتاتور مورد علاقه اوست. مردم آن را جدی گرفتند. او رددیوئی آن را تماشا کند، به وضوح رئیس‌جمهور سعی داشت شوخی کند. در هر صورت، ترامپ رئیس‌جمهور سبسی را مطابق با هیچ معیاری درمورد حقوق بشر تحت فشار نگذاشت. رئیس‌جمهور بایدن پس از پنج ماه اول ریاست‌جمهوری خود نیز چنین کاری نکرد. اما به‌طور کلی، رئیس‌جمهور سبسی و رهبری مصر با ترامپ احساس راحتی بیشتری می‌کنند.

تفاوت این است که شما به چرخه انتخابات ۲۰۱۶ برگردید، زمانی که رئیس‌جمهور سبسی با ترامپ که او نامزد انتخابات بود ملاقات کرد. او پس از دیدار با سبسی بیانیهای صادر کرد و گفت: «ایالات متحده از مصر در مبارزه با تروریسم حمایت می‌کند. آنها با همان مردمی می‌جنگند که ما با آنها می‌جنگیم. این در تضاد با بیانیه طولانی‌ای که رئیس‌جمهور السیسی با هیلاری کلینتون، رقیب ترامپ در آن زمان ملاقات کرد، ترامپ در مورد السیسی هم مانند دیگر رهبران منطقه حقوق بشر، اصلاحات و دموکراسی‌سازی را در اولویت بسیار پایین‌تری نسبت به کلینتون یا هریس قرار می‌دهد.» به‌طور کلی، منظورم این است که اینجا کشورهای هستند که در آن دولت‌ها اهمیت دارند. افکار عمومی ممکن است در آنجا متفاوت باشد، ما درباره دولت‌ها صحبت می‌کنیم، وقتی از اسرائیلی‌ها پرسیده شد که در انتخابات امریکا چه کسی را ترجیح می‌دهند، اکثریت زیاد ترامپ را انتخاب کردند. بدیهی است که در اسرائیل، ترامپ این شهرت عظیم را دارد. او سفارت امریکا را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل کرد. او حاکمیت اسرائیل بر قلمرو بلندی‌های جولان را به رسمیت شناخت که بخشی از سرزمین سوریه است که اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ فتح کرد و به‌طور کلی ترامپ در طول دوره اول ریاست‌جمهوری خود کاملاً طرفدار اسرائیل بود.

ترامپ نمی‌خواهد درگیر غزه شود

با این حال، رئیس‌جمهور امریکا بار دیگر کسی است که علاقه‌مند به انجام معاملات است. او در پیشنهاد

ایران

را مذاکره‌کننده چیره‌دستی می‌داند، هنوز ممکن است این ایده را داشته باشد که می‌تواند به معامله قرن دست یابد، که به او ثابت می‌کند کاری را انجام می‌دهد که هیچ‌کس دیگری قادر به انجام آن نبوده است.

روی زمین، تصور اینکه راه‌حل دو دولتی وجود داشته باشد، سخت به نظر می‌رسد. راه‌حل دو دولتی ترامپ اساساً نهداینه کردن وضعیت موجود در کرانه باختری بود. این بود که شهرک‌های اسرائیل قلمرو اسرائیل می‌شد و این مجمع‌الجزایر از مراکز جمعیتی فلسطینی وجود داشت که شبه‌حاکمیتی داشتند و تحت کنترل امنیتی اسرائیل بودند. به همین دلیل فلسطینی‌ها آن را رد کردند. این بیانیی برای مذاکره بود، اما آنقدر یکطرفه بود که می‌توانید بفهمید چرا فلسطینی‌ها آن را رد کردند.

آبراهام ادامه می‌یابد

توافقات آبراهام قطعاً دستاورد ترامپ در خاورمیانه است. حضور در مکانی مانند ابوظبی یا دوحی یا منامه و بودن یا اعراب و اسرائیلی‌های این کشورها دور در یک میز، کاملاً خارق‌العاده است. آنچه در این سال طولانی (جنگ غزه) و چند ماه جنگ جذاب بوده این است که از برخی جهات ترامپ به ابراهیم عمیق‌تر شده و شتاب گرفته است. هیچ‌کس روابط دیپلماتیک را قطع نکرده است. تجارت بین اسرائیل و امارات در طول جنگ در نوار غزه واقعاً افزایش یافته است. پویایی‌های توافق ابراهیم اکنون به حدی رسیده که به فشار ایالات متحده نیاز ندارند. تجارت بین اسرائیل و امارات در طول جنگ در نوار غزه واقعاً افزایش یافته است. در انتهای دولت ترامپ راهبرذ این بود که سعودی‌ها را در عادی‌سازی روابط بگنجاند، سپس دولت بایدن این کار را ادامه داد و تلاش زیادی کرد سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها روابط خود را عادی کنند.

این انتظار وجود داشت که پیش از برگزاری انتخابات در ایالات متحده، یک توافق عادی‌سازی بین اسرائیل و عربستان سعودی به نتیجه برسد. یکی از راه‌هایی که دولت بایدن تلاش کرد این کار را انجام دهد، این بود که یک توافق امنیتی سعودی-امریکایی را با توافق عادی‌سازی اسرائیل و عربستان سعودی ترکیب کند. البته جنگ در نوار غزه این طرح را بر هم زد و در طول این جنگ وحشتناک، سعودی‌ها قیمت خود را برای عادی‌سازی روابط افزایش دادند.

عربستان: افزایش هزینه عادی‌سازی

سعودی‌ها همیشه در سطح نمادین از حقوق فلسطینی‌ها حمایت کرده‌اند. آنها کمتر از آنچه که گفته‌اند انجام داده‌اند، اما مردم عربستان به وضوح از تصاویری که از غزه بیرون می‌آید، متأثر شده‌اند. عربستان سعودی کشور بزرگی است حتی با وجود آنکه ولیعهد و پادشاه کاملاً بر امور کنترل دارند، اما نمی‌توانند به طور کامل نظر عمومی را نادیده بگیرند. به احتمال زیاد رئیس‌جمهور ترامپ به ادامه گفت‌وگوهای مربوط به عادی‌سازی روابط ادامه خواهد داد، با توجه به اینکه نتایج توافق ابراهیم دستاورد اصلی دوران ریاست‌جمهوری او بود.

طعنه‌آمیز این است که سعودی‌ها از انتخاب ترامپ بسیار خوشحال هستند، اما شانس آنها برای دستیابی به یک پیمان امنیتی با ترامپ بسیار کمتر از هریس است. ترامپ برای مدت طولانی نسبت به قرار دادن ایالات متحده در محور امنیت سایر کشورها کاملاً محتاط بوده است. ترامپ با بازگشت به دهه ۱۹۸۰ این استدلال را مطرح کرد که سعودی‌ها باید برای امنیتی که ایالات متحده در خلیج فارس ایجاد می‌کند هزینه کنند.

در اوج یک تابستان گرم طولانی ایرانی‌ها گفتند که ما در خلیج فارس توقیف کردند، خلیج فارس را من گذاری کردند، یک پهباد جاسوسی امریکایی (گلوبال هاوک) را سرنگون کردند و سپس به دو تأسیسات نفتی بزرگ در عربستان سعودی حمله کردند و ترامپ گفت: آنها به عربستان سعودی حمله کردند نه به امریکا، منتظر تماس ریاض هستیم.

در این فکرمی‌کنم دو چیز وجود دارد. اول اینکه که سعودی‌ها بنشدت نگران بودند که رئیس‌جمهور بایدن مایل به بازگشت به توافق هسته‌ای با ایرانی‌ها باشد. فکرمی‌کنم تصور می‌کنند که ترامپ واقعاً به توافق نمی‌رسد و نگران بودند که بایدن به توافق برسد یا هریس، ایالات متحده را به یک توافق بازگرداند که منجر به رفع تحریم‌ها علیه ایران شود.

من از مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس شنیده‌ام که می‌گویند: «ما از دستیابی ایرانی‌ها به بمب هسته‌ای تا زمانی که تحریم‌ها لغو نشوند، خوشحال خواهیم شد.» زینر آنها معتقدند که لغو تحریم‌ها توسط ایرانی‌ها و محور مقاومت در منطقه استفاده می‌شود.

نگرانی‌های ریاض

نگرانی عربستان این است که دولت بایدن قصد دارد در تحریم‌ها به ایرانی‌ها تخفیف دهد و همچنین این احساس وجود داشت که ایالات متحده در مقابل تحریکات ایران ضعیف به نظر می‌رسد. حتی اگر

به سعودی‌ها و دیگران بگویید کارنامه ترامپ بهتر از این نیست، آنها گزینه فشار حداکثری را تصور می‌کنند. آنها به یک فکرمی‌کنند که دوران فشار حداکثری چگونه بود. آنها به کسانی که ممکن است مشاوران رئیس‌جمهور باشند فکرمی‌کنند، افرادی مانند مایک پومپئو، وزیر خارجه و رئیس سابق سیا یا ستانور تام کاتن که بسیار سختگیرانه با ایران برخورد می‌کنند یا دیگرانی که در داخل دولت ترامپ ممکن است سمت‌های مهمی داشته باشند و دیدگاه‌های سختگیرانه‌ای نسبت به ایران دارند. نکته دیگری هم که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، این است که وقتی سعودی‌ها و دیگران به دولت ترامپ نگاه می‌کنند، می‌بینند که با ترامپ راحت‌تر می‌توانند کار کنند. شما می‌توانید خط مستقیم با رئیس‌جمهور داشته باشید. درباره فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه، این دینامیک‌ها در واقع در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ شروع شد. به نوعی این واکنشی بود به ۱۰ سال بحث در واشنگتن در مورد ترک خاورمیانه و چرخش به سمت آسیا. اعراب گفتند: «لحظه‌ای صبر کنید، ایالات متحده قرار است ما را دوست ایرانی‌ها بسپارد. ما باید با قدرت‌های دیگر، از جمله چین، ارتباط برقرار کنیم.»

چین: ازنده‌وارد شد

اماراتی‌ها سال‌هاست که می‌گویند در حالی که آنها رابطه استراتژیک خود با ایالات متحده را ارزشمند می‌دانند، آنها یک بازیگر ۳۶۰ درجه هستند و نمی‌توانند

ایران

IranDaily/Newsoper

چین را نادیده بگیرند، زیرا چین برای اهداف اقتصادی آنها بسیار حیاتی است. دولت بایدن تلاش زیادی کرده تا این کشورها را از چین جدا کند. اماراتی‌ها از تکنولوژی هوش مصنوعی چین کنار کشیده‌اند که این اجازه را به مایکروسافت داد تا سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری در امارات در زمینه هوش مصنوعی انجام دهد. تمام استدلال برای قرارداد امنیتی از دیدگاه دولت بایدن این بود که سعودی‌ها را از چین دور کنند. این فقط یک قرارداد امنیتی نبود. بلکه همچنین یک قرارداد هسته‌ای و انواع دیگر مزایا برای سعودی‌ها بود که ایالات متحده و عربستان سعودی را در این زمینه‌های حیاتی به هم متصل می‌کرد تا سعودی‌ها برای این موارد به پکن مراجعه نکنند.

ایالات متحده می‌خواهد در منطقه چین را دور بزند و سعودی‌ها به دنبال حفاظت در برابر ایرانی‌ها هستند. این همان استدلال برای توافق امنیتی است. برخی کارها در این زمینه انجام شده است. سؤال این است که ترامپ چگونه به این مسائل نزدیک خواهد شد؟ همان‌طور که گفتیم، توافق امنیتی یا اصول «اول امریکا» و هر آنچه که ترامپ به عنوان یک سیاست‌د طول دهه‌ها نمایانگی کرده همخوانی ندارد، اما او اولین دوره ریاست‌جمهوری‌اش فشار آورد و این کشورها را بایست استفاده از تکنولوژی چینی، مانند تکنولوژی هواوی، تحت فشار قرار داد.

اگر به یاد بیاورید، تکنولوژی هواوی یکی از مسائل بزرگ در دوران ترامپ بود. مشکل شرکای ترامپ در منطقه این بود که می‌گفتند «آیا جایگزینی برای ما دارید؟» و جواب ما نه بود. حالا واقعاً جایگزینی داریم که می‌توانیم به آنها پیشنهاد دهیم. جالب است که کشورهای خلیج فارس این طور مشتاق به ترامپ هستند، اما تمام مشکلات میان آنها و ایالات متحده هنوز وجود دارد. آنها فقط با حضور ترامپ از بین نمی‌روند، و او در سطح سیاست‌های اصلی تفاوت زیادی با رئیس‌جمهور بایدن ندارد.

مسأله نفت

همیشه یک تنش در روابط ایالات متحده با عربستان سعودی وجود داشته است که قیمت نفت باید در سطحی باشد که سعودی‌ها بتوانند کارهای مورد نظر خود را انجام دهند، اما در عین حال نباید به منافع یک رئیس‌جمهور آسیب بزند که می‌خواهد قیمت بنزین در امریکا پایین بماند تا مردم بتوانند راحت‌تر در خیابان‌ها رانندگی کنند. ترامپ و سعودی‌ها باید راهی برای حل این مشکل پیدا کنند. البته باید توجه کرد که بازار نفت جهانی است. تا جایی که ایالات متحده مقادیر زیادی نفت و گاز تولید می‌کند، بخش زیادی از این گاز و البته نفت، به اروپا می‌رود که خود این موضوع یک نقطه تنش میان دو طرف است. اما در نهایت، ما دوباره به دو نکته می‌رسیم: اول، ترامپ خود را یک مذاکره‌کننده ماهر می‌بیند که در این‌گونه مسائل می‌تواند موفق شود و البته او از عمومی کردن این مسائل استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای به نتیجه رساندن آنها هیچ ابایی ندارد. از طرف دیگر، ترامپ داشته باشند، چون احساس راحتی بیشتری با او دارند.

سعودی‌ها ممکن است تمایل به انجام توافق با چینی‌ها داشته باشند چون بیشتر نفت‌شان به آنجا می‌رود. اما ایالات متحده به‌طور کلی منافع حیاتی در ثبات قیمت نفت دارد. بی‌توجهی به این مسأله برای تمامی این رهبران کار عاقلانه‌ای نخواهد بود.

ترامپ و تشدید تنش ایران و اسرائیل

درباره اینکه ایران قصد دارد به‌طور جدی به حمله تلافی‌جویانه اسرائیل در ماه گذشته واکنش نشان دهد من قطعاً حرف‌های ایرانی‌ها را جدی می‌گیرم. اما فکرمی‌کنم که به خودمان لطف نمی‌کنیم اگر به‌طور دقیق به حرف‌هایی که این رهبران می‌زنند فکرمی‌کنم، چون در این درگیری خاص، آنها هر بار به آنچه گفته‌اند عمل کرده‌اند.

اگر همه چیز به‌طور برابر باشد و تشدید تنش رخ دهد، واضح است که این برای هیچ‌کس خوب نیست و بویژه در این دوره انتقالی میان رؤسای‌جمهور، یکی از عواملی که ممکن است در دست ایران باشد این است که در ذهن آنها و در ذهن شرکای ایالات متحده در منطقه، رئیس‌جمهور جدیدی وجود دارد که اول، پیش‌بینی ناپذیر است، دوم، مایل است از ابزارهای قدرت به شیوه‌هایی استفاده کند که رئیس‌جمهور قبلی شاید مایل نبود از آنها استفاده کند و اینکه اگر آنها به اسرائیلی‌ها حمله کنند با توجه به اهمیت اسرائیل برای حزب‌جمهوری‌خواه و بخش‌های زیادی از پایگاه رئیس‌جمهور ترامپ، ایرانی‌ها ممکن است تصمیم بگیرند که نه با شلیک ۲۰۰ موشک باسستیک، بلکه به روش‌های دیگری از طریق نیروهای نیابتی خود واکنش نشان دهند که لزوماً تشدید درگیری‌ها به شکلی که قبلاً ندیده‌ایم ایجاد نکند.

این احتمال کاملاً وجود دارد که فقط ایده در حال ظهور ترامپ و پیش‌بینی ناپذیری او ممکن است تغییراتی را بوجود آورد. حالا این فکرمی‌کنم بیانه است، این گمانه‌زنی است. ایرانی‌ها گفته‌اند: «ما پاسخ خواهیم داد و پاسخ ویرانگری خواهیم داد.» فکرمی‌کنم همه باید خود را برای آن آماده کنند و این موضوع امور را برای سختگیرانه با ایران برخورد می‌کنند یا دیگرانی که در داخل دولت ترامپ ممکن است سمت‌های مهمی داشته باشند و دیدگاه‌های سختگیرانه‌ای نسبت به ایران دارند. نکته دیگری هم که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، این است که وقتی سعودی‌ها و دیگران به دولت ترامپ نگاه می‌کنند، می‌توانید خط مستقیم با رئیس‌جمهور داشته باشید. درباره فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه، این دینامیک‌ها در واقع در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ شروع شد. به نوعی این واکنشی بود به ۱۰ سال بحث در واشنگتن در مورد ترک خاورمیانه و چرخش به سمت آسیا. اعراب گفتند: «لحظه‌ای صبر کنید، ایالات متحده قرار است ما را دوست ایرانی‌ها بسپارد. ما باید با قدرت‌های دیگر، از جمله چین، ارتباط برقرار کنیم.»

چین: ازنده‌وارد شد

اماراتی‌ها سال‌هاست که می‌گویند در حالی که آنها رابطه استراتژیک خود با ایالات متحده را ارزشمند می‌دانند، آنها یک بازیگر ۳۶۰ درجه هستند و نمی‌توانند

سعودی‌ها

بشدت نگران

بودند که

رئیس‌جمهور

بایدن مایل

به بازگشت

به توافق

هسته‌ای

با ایرانی‌ها

باشد. فکر

می‌کنم آنها

تصور می‌کنند

که ترامپ

واقعاً به توافق

نمی‌رسد و

نگران بودند

که بایدن به

توافق برسد

یا هریس،

ایالات

متحده را به

یک توافق

بازگرداند که

منجر به رفع

تحریم‌ها

علیه ایران

شود.

من از مقامات

کشورهای

حاشیه

خلیج فارس

شنیده‌ام که

می‌گویند: «ما

از دستیابی

ایرانی‌ها

به بمب

هسته‌ای

تا زمانی که

تحریم‌ها

لغو نشوند،

خوشحال

خواهیم شد»